

تفاوت فقهی اوقات نماز از دیدگاه امامیه و اهل سنت

لیلا احمدی^۱

مجتبی عفتی^۲

چکیده

نماز یکی از شعائر اسلامی و مهم ترین فرع از فروع دین اسلام است تا جایی که در احادیث و روایات به عنوان ستون دین و سبب پذیرش یا رد سایر اعمال مسلمانان معرفی شده است و اهمیت آن تا حدی است که در قرآن مجید در پانزده مورد، خداوند متعال به آن امر نموده که در چند مورد از آن خود شخص رسول اکرم (ص) مستقیماً مورد خطاب قرار گرفته است. همه مذاهب اسلامی در اصل وجوب نماز با هم اتفاق نظر دارند و هیچ یک از آنها منکر حقیقت نماز و اهمیت ویژه آن نشده اند اما اختلافات کثیری در مبحث نماز دارند. ما در این پژوهش به بررسی اختلاف بین این دو مذهب در باره ی اوقات نماز می پردازیم و نظرات فقههای این دو مذهب را به تفکیک بررسی خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: نماز، اوقات نماز، فقه امامیه، اهل سنت

^۱ فارغ التحصیل سطح ۲- فقه و معارف اسلامی - جامعه المصطفی ص - نمایندگی استان مرکزی - مدرسه عالی خواهران

l.ahmadi@mou.ir

^۲ مربی - گروه فقه و اصول - دانشکده فقه خانواده - جامعه المصطفی (ص) - دانشگاه مجازی المصطفی (ص)

mojtaba_efati@miu.ac.ir: ۸۶۰۴-۸۲۷۳-۰۰۰۱-۰۰۰۰ @A۱۲۳۴۵۶

مقدمه:

یکی از مقدمات نماز، وقت شناسی است و شخص نماز گزار باید اوقات نمازهای پنج گانه و سایر نمازها را بشناسد و برطبق آن عمل کند. مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند که نماز خولندن قبل از داخل شدن در وقت آن، جایز نیست. قرآن کریم، در آیاتی که بر وجوب نماز صراحت دارد، وقت نماز را دقیقاً معلوم نکرده است. به همین خاطر برخی از دانشمندان اسلامی برای شناختن دقیق اوقات نماز، دنبال علومی چون هیأت، ریاضی و مثلثات می روند تا بتوانند اوقات نماز را تعیین کنند.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: أقم الصلوة لدلوك الشمس إلى غسق الیل و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً

تذکر: آخر وقت نماز ظهر برای مسافر، به مقدار ۲ رکعت به غروب مانده است. این حکم در کلیه نمازهای چهار رکعتی جاری است

ترجمه: نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به یاد آور نماز صبح را نیز به جای آر که آن به حقیقت، مشهود نظر فرشتگان شب و روز است

جوهری گوید: دلوك یعنی زوال. دلكت یعنی زالت، و گفته شده: دلوك یعنی غروب . اما غسق یعنی اول تاریکی شب. الغاسق: اللیل اذا غاب الشفق. گفته شده که غسق الیل یعنی شدند تاریکی شب بنابر این معنا، غسق در معنای نصف شب کاربرد دارد

منظور از وقت در این جا، وقت نمازهای پنجگانه (ظهر، عصر، مغرب، عشا و صبح) است. از آنجایی که نماز ظهر، اولین نمازی است که واجب شده ، مطالب را از نماز ظهر شروع و به نماز صبح، ختم می نماییم

بیان مساله و پیشینه پژوهش:

«نماز» هدایت و ایمان و در حقیقت نماز یک فرصت استثناء برای ارتباط انسان با محبوب ترین محبوب عالم است(زمانپور، ۱۳۸۱، ۹۱) و صلاه «همان عبادت مخصوص به معنای نماز است و اصل آن « به معنای دعاست و نماز از جمله عباداتی است که هیچ شریعتی از آن خالی نبوده اگرچه به حسب هر شرع و آیینی صورت انجام آن با دیگر شرایع متفاوت بوده است » (راغب، ۱۳۹۰، ۴۵۴). درباره تفاوت های نماز شیعه و سنی مطالب بسیار است از نظر اهل سنت، اذان گفتن برای نماز صبح، پیش از رسیدن وقت آن، یعنی

پیش از طلوع فجر مستحب است، و لذا آنان پیش از طلوع فجر اذان می‌گویند که در حقیقت اعلام وقت نافله است تا مردم برای خواندن نماز صبح آماده شوند و پیش از آن، نمازهای نافله را بخوانند و چون وقت نماز صبح می‌رسد یکبار دیگر اذان می‌گویند و این اذان برای اعلام داخل شدن وقت نماز صبح است، و پس از آن اقامه می‌گویند. بنابراین برای نماز صبح دوبار اذان و یکبار اقامه گفته می‌شود. از نظر فقهای شیعه، اذان باید پس از داخل شدن وقت گفته شود. اهل سنت جمله حی‌علی خیر‌العمل را در اذان صبح نمی‌گویند. در برخی از کتاب‌های آنان آمده است که در زمان پیامبر اسلام (ص) و زمان خلیفه اول، این جمله در اذان گفته می‌شد و خلیفه دوم از آن نهی کرد و دستور داد در اذان صبح به جای این جمله دوبار بگویند: الصلوه خیر من النوم. شیعه عبارت اَشْهَدُ أَنَّ عَلٰی وَلِیُّ اللّٰهِ را جزء اذان نمی‌داند ولی گفتن آنرا جایز می‌داند ولی اهل سنت آوردن این عبارت را بدعت می‌شمارند. اهل سنت درباره خواندن بسم‌الله در نماز، دیدگاه متفاوتی با شیعه دارند؛ از نظر شیعه، بسم‌الله جزئی از سوره است و باید خوانده شود و خواندن سوره‌های قرآن بدون بسم‌الله در نماز سبب بطلان نماز است و ترک آن در نماز جایز نیست. و مستحب است که حتی در نمازهایی که آهسته خوانده شود، بسم‌الله در نماز بلند خوانده شود و این یکی از شعائر شیعه است. ولی بسیاری از اهل سنت، بسم‌الله را جزء سوره نمی‌دانند، حنفی‌ها و حنبلی‌ها در عین حال که آن را جزء سوره نمی‌دانند و می‌گویند خواندن بسم‌الله در اول سوره در نماز واجب نیست و ترک آن جایز است. اما در عین حال خواندن آن را در آغاز حمد و سوره مستحب می‌دانند؛ ولی به نظر آنها اگرچه نماز جهری باشد مانند نمازهای مغرب و عشاء باید بسم‌الله آهسته خوانده شود. از نظر شیعه واجب است در دو رکعت اول نمازهای یومیه سوره فاتحه خوانده شود. اگر سوره دیگری از قرآن به جای آن خوانده شود، صحیح نیست و نماز باطل است. در دو رکعت سوم و چهارم، نماز گزار می‌تواند تسبیحات اربعه بخواند و می‌تواند به جای آن سوره حمد یعنی فاتحه را بخواند. اما از نظر اهل سنت: بنابر مذهب حنفی، خواندن سوره فاتحه در دو رکعت اول نماز به طور معین لازم نیست، بلکه اگر سوره دیگری به جای فاتحه خوانده شود، نماز صحیح است. از نظر شیعه واجب است قرائت حمد و سوره در نماز صبح و مغرب و عشاء بلند خوانده شود. در نماز ظهر و عصر واجب است آهسته خوانده شود. اما از نظر اهل سنت: به نظر حنفی: جهر و اخفات در نماز واجب نیست، بلکه مستحب هم نیست و نماز گزار مخیر است که قرائت را بلند بخواند یا آهسته.

از نظر اهل سنت عبور کردن از مقابل نمازگزار حرام است، حتی در بعضی از کتاب های حدیثی آنان آمده است که نمازگزار باید مانع عبور عابر از مقابل خود باشد، اگرچه این کار به درگیری بکشد، و کسی که از مقابل نمازگزار عبور می کند شیطان است. از نظر شیعه عبور از مقابل نمازگزار حرام نیست ولی مستحب است که نمازگزار حایلی مانند عصا یا تسبیح یا چوب یا ریسمان قرار دهد تا میان او و کسانی که از مقابل او عبور می کنند قرار گیرد، و این از باب احترام به نماز و رمز انقطاع از مردم به سوی خداست. از نظر شیعه، سجده باید بر زمین (خاک و سنگ) و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می روید باشد و سجده بر خاک از همه بهتر است. ولی اهل سنت در مورد محل سجده توسعه بیشتری قایل هستند و سجده بر فرش، سجاده و... را نیز جایز می دانند. شیعیان و اهل سنت در مقدار خم شدن در هنگام رکوع متفق القولند؛ جز حنفی ها که خم نمودن سر را کافی می دانند. ارکان نماز را اهل سنت چهار تا می دانند (قیام و رکوع، سجود و قرائت) و بعضی از آنها نیت را اضافه نموده اند ولی شیعیان ارکان نماز را پنج تا می دانند (نیت، تکبیر، الاحرام، قیام، رکوع، سجود) اهل سنت می گویند نمازهای پنجگانه باید در پنج وقت (ظهر، عصر، مغرب، عشاء، صبح) خوانده شود ولی از نظر شیعه در پنج وقت خواندن افضل و مستحب است. درباره صلوات عبارت آل محمد را اهل سنت از صلوات حذف می کنند و در تشهد که صلوات آن واجب است این عبارت را نمی گویند و نماز ناقص می خوانند (محمدی، ۱۳۹۱، ۴۵۸) و چندین مسئله دیگر که بین فقه های شیعه و سنی تفاوت وجود دارد. فلذا با توجه به این مطالب محقق در پی بررسی تفاوت اوقات نماز در فقه شیعه و سنی می باشد.

وقت نماز ظهر

شیعه به استناد آیه شریفه «اقم الصلوة لدولک الشمس...» آغاز وقت نماز ظهر را دولک شمس یعنی زوال خورشید از آسمان می داند. شیخ بهایی گوید: آغاز وقت نماز ظهر، با زیاد شدن سایه شاخص است پس از آنکه به نهایت کوتاهی رسیده باشد (مانند عراق و ایران)، یا ظاهر شدن سایه است پس از آنکه به کلی برطرف شده باشد (مانند مکه)، و این وقت را زوال می نامند. (شیخ بهایی، ۱۴۲۹، ۳۸)

به بیان دیگر: طبق نظر شیعه، آخر وقت ظهر، تا قبل از مقدار ۴ رکعت نماز به غروب آفتاب است (این زمان برای خواندن نماز عصر می باشد). (خمینی، ۱۳۶۵، ۱۳۸) مذاهب اربعه

گویند: آغاز نماز ظهر از زوال خورشید بوده و پایان وقت نماز ظهر، زمانی است که سایه هرچیز همانند خود آن چیز گردد. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۵۶)

مالکیه گویند: این وقت، وقت اختیاری است اما وقت ضروری از دخول وقت عصر اختیاری است و تا وقت غروب، استمرار دارد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۵۶)

استاد مغنیه در این باره گوید: مضطر، وقت ظهر را تا بعد از امتداد سایه شیء به اندازه خودش ادامه می دهد.

وقت نماز عصر

ابن قدامه گوید: طبق قول اکثر علما، اعمّ از اصحاب پیامبر و غیر اصحاب پیامبر، منظور از صلاه الوسطی در آیه شریفه «حافظوا علی الصلوات و الصلوه الوسطی»، نماز عصر می باشد. (ابن قدامه، ج ۱، ۳۸۷)

شیعه گوید: اول وقت نماز عصر، پس از گذشتن مقدار ۴ رکعت نماز از هنگام زوال خورشید است و آخر وقت عصر، وقتی است که تا غروب آفتاب، به مقدار خواندن نماز عصر، وقت باقی باشد.. (شیخ بهایی، ۱۴۲۹، ۳۸) به عبارت دیگر، خواندن نماز عصر، هنگام غروب آفتاب، اداء، درست نیست. ابو حنیفه، آخر وقت نماز ظهر و اول وقت نماز عصر، فاصله انداخته و معتقد است: آخر وقت نماز ظهر، همانندی سایه بوده و اول وقت نماز عصر همان دوبرابری سایه شیء است. (ابن قدامه، ج ۱، ۳۸۷) و (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۵۶) در کتاب الهدایه آمده: اول وقت نماز عصر، از آخر وقت نماز ظهر شروع می شود و آخر وقت عصر، تا زمانی است که خورشید غروب نکرده است. (انصاری، ۱۳۷۱، ج ۱، ۷۷)

مالکی در این مورد نیز قائل به تفصیل است و گوید: نماز عصر دو وقت دارد: ۱- ضروری. ۲- اختیاری. وقت اختیاری آن از اضافه شدن سایه از اندازه خودش شروع می شود و تا زردی خورشید استمرار دارد (جزیری، ۱۹۸۶، ۸۰)، و وقت ضروری نماز عصر از رد شدن خورشید تا غروب آفتاب است.

وقت اختصاصی و مشترک نماز ظهر و عصر

وقت اختصاصی نماز ظهر، اول زوال خورشید به مقدار ۴ رکعت است. (مغنیه، ۱۹۸۲، ۷۹، و (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۵۶)

وقت اختصاصی نماز عصر، مقدار ۴ رکعت نماز از پایان وقت می باشد، به عبارت دیگر به مجرد تمام شدن نماز، آفتاب، غروب می کند. (مغنیه، ۱۹۸۲، ۷۹، و (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۵۶) مابین این دو وقت، بین نماز ظهر و عصر، مشترک است. (مغنیه، ۱۹۸۲، ۷۹، و (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۵۶)

وقت نماز مغرب

شیعه گوید: اول وقت نماز مغرب (نماز شام)، هنگام غروب آفتاب است. به تعبیر دقیق تر، هنگام رفتن سرخی به طرف مشرق-که به غروب آفتاب دلالت می کند- وقت نماز مغرب است. (شیخ بهایی، ۱۴۲۹، ۳۸) و (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۵۶) اهل سنت در آغاز وقت نماز مغرب با یکدیگر اختلافی ندارند و به اتفاق آراء، آغاز وقت مغرب را غروب خورشید می دانند. (ابن قدامه، ج ۱، ۳۹۰)

از نظر شیعه پایان نماز مغرب، مقدار ۴ رکعت به نصف شب مانده، است و به قول شیخ طوسی «آخره اذا غاب الشفق» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۶۳) یعنی: پایان مغرب، رفتن شفق (سرخی مغربی) است.

ابو حنیفه و شافعی آخر وقت مغرب را هنگام پنهان شدن شفق (سفیدی) از طرف مغرب می دانند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۶۳)

مالک معتقد است که وقت مغرب، مضیق است و از اول غروب به مقدار وقتی که برای طهارت و اذان و نماز مغرب لازم باشد، وقت نماز مغرب است. احمد بن حنبل معتقد است وقت مغرب تا پنهان شدن شفق امتداد دارد. شافعی برای نماز مغرب فقط یک وقت قائل است که همان غروب خورشید است. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۵۶) و (مالک، ۱۴۰۶، ج ۱، ۹۲)

وقت نماز عشاء

شیعه، آغاز وقت نماز عشاء (خفتن) را مقدار ۳ رکعت از مغرب رفته، می داند. (خمینی، ۱۳۶۵، ۳۸) مذاهب اربعه در آغاز وقت عشا با یکدیگر متفق القول هستند و گویند: آغاز وقت نماز عشا، پنهان شدن شفق است. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۹۲)

قول مشهور شیعه اسن است که پایان وقت نماز عشا، هنگام نیمه شب شرعی است یعنی حدود ساعت یازده و ربع . (خمینی، ۱۳۶۵، ۱۳۸) شیخ طوسی، پایان وقت عشا را ذهاب ثلث شب می داند. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۶۵)

حنیفه، آخر وقت عشا را برای انسان مختار، نیمه شب و برای مضطر، طلوع فجر می داند. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۹۲)

پیشوای مذهب حنفی گوید: تأخیر نماز عشا تا قبل از ثلث شب، مستحب و تا نصف شب، مباح (جایز) و تا نصف اخیر شب، مکروه است. (انصاری، ۱۳۷۱، ج ۱، ۷۹)

شافعی، پایان نماز عشا را برای مختار، ثلث یا نیمه شب دانسته و برای مضطر، طلوع فجر می داند. (نووی، ج ۳، ۳۹)

از نظر مالکف وقت اختیاری نماز عشا، تا پایان یافتن ثلث اول شب و وقت ضروری آن تا طلوع فجر است. (جزیری، ۱۹۸۶، ۱۸۴) حنابله نیز مانند مالک معتقدند که نماز عشا دو وقت دارد: ۱- اختیاری. ۲- ضروری. وقت اختیاری آن تا سپری شدن ثلثاول شب است و وقت ضرورت آن از اول ثلث دوم شب تا طلوع فجر می باشد.

وقت مختص و مشترک مغرب و عشا

از نظر شیعه، وقت مختص نماز مغرب، مقدار ۳ رکعت از اول مغرب و وقت مختص نماز عشا، مقدار ۴ رکعت به نیمه شب مانده، است. مابین این دو وقت، بین مغرب و عشا، مشترک است.

وقت نماز صبح

صاحب مجمع به استناد آیه شریفه «اقم الصلوه لدولک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر ان قرآن الفجر کان مشهوداً»، (اسراء، ۷۸) گوید: وقت نماز صبح به تنهایی با تعبیر «قرآن الفجر» بیان شده است. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ۲۸۳) شیخ طوسی گوید: مذاهب پنجگانه در آغاز وقت نماز صبح، با یکدیگر اختلافی ندارند و همگی طلوع فجر ثانی (جزیری، ۱۹۸۶، ۱۸۵) اول وقت صبح می دانند. اما آخر وقت صبح در نزد شیعه امامیه، دو وقت است: ۱- وقت انشان مختار تا روشن شدن هوا و شناختن صورت مردم. ۲- وقت انسان مضطر تا طلوع خورشید. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۶۷)

قول مشهور فقهای اسلامی آن است که اول وقت نماز صبح، برآمدن فجر صادق و پایان آن طلوع خورشید است. (مغنیه، ۱۹۸۲، ۸۱) اکثر فقهای شیعه، پایان وقت نماز صبح را طلوع خورشید می دانند. (شیخ بهایی، ۱۴۲۹، ۵۱) حنفیه، حنبله و مالکیه معتقدند پایان وقت صبح، طلوع خورشید است و شافعیّه قول به تفصیل را پذیرفته اند. (ابن قدامه، ج ۱، ۹۳)

در «الفقه علی المذاهب الخمسه» گوید: مالکی، گفته: برای صبح دو وقت است: ۱- اختیاری، از طلوع فجر تا شناختن صورت مردم. ۲- وقت اضطراری، از شناختن صورت مردم تا طلوع خورشید. (جزیری، ۱۹۸۶، ۱۸۵)

اوقات فضیلت نماز

اوقات فضیلت نماز از نظر شیعه عبارتند از:

- ۱- وقت فضیلت نماز ظهر از نیمروز تا رسیدن شاخص به اندازه خود.
 - ۲- وقت فضیلت نماز عصر رسیدن سایه شخص یا شاخص به دو برابر خود.
 - ۳- وقت فضیلت نماز مغرب از اول مغرب تا رفتن شفق (سرخی مغربی).
 - ۴- وقت فضیلت نماز عشا از اول رفتن شفق تا یک سوم شب.
 - ۵- وقت فضیلت نماز صبح از اول سپیده صبح است تا پدیدار شدن سرخی مشرقی.
- (خمینی، ۱۳۶۵، ۱۳۸)

انواع سه گانه وقت نماز، در فقه اهل سنت

ممکن است کسی که آشنایی و تخصصی در فقه ندارد، تصور کند تقسیم وقت نماز به انواع سه گانه فوق، از ویژگی های فقه امامیه است. اما این تصور، تصور باطلی است؛ زیرا تقسیم وقت نماز به انواع سه گانه مزبور با اندک اختلافی در محدوده هر یک از آنها، هم در فقه امامیه وجود دارد و هم در فقه اهل سنت. نووی در شرح مهذب گفته است:

نماز ظهر دارای سه وقت است: وقت فضیلت، وقت اختیار و وقت عذر. وقت فضیلت نماز ظهر، اول آن است و وقت اختیار نماز ظهر، بعد از وقت فضیلت تا آخر وقت است وقت عذر عبارت است از وقت نماز عصر در مورد کسی که در سفر یا باران، نماز ظهر و عصر را با هم می خواند.

قاضی حسین گفته است: نماز ظهر دارای چهار وقت است: وقت فضیلت، وقت اختیار، وقت جواز و وقت عذر، وقت فضیلت وقتی است که سایه شاخص به یک چهارم برسد وقت اختیار، وقتی است که سایه شاخص، به نصف آن برسد. وقت جواز وقتی است که سایه شاخص به اندازه خود شاخص برسد و این وقت، آخر وقت نماز ظهر است. وقت عذر، وقت نماز عصر است برای کسی که در سفر یا باران آن ها را بهم می خواند.

از جمله نماز های یومیه، دو نماز است که وقت آنها از زوال خورشید شروع می شود با این تفاوت که یکی از آنها قبل از دیگری است و از جمله این دو نماز، دو نماز است که وقت آنها غروب خورشید شروع شده و تا نیمه شب ادامه دارد با این تفاوت که یکی قبل از دیگری است.

گروهی بر این اعتقادند که وقت نماز ظهر، از زوال خورشید تا غروب آفتاب ادامه دارد. زیرا خداوند وجوب آن را بر « دلوک» یعنی زوال خورشید معلق کرده است و زوال خورشید هم از اول ظهر تا غروب آفتاب ادامه دارد. اوزاعی و ابوحنیفه این دیدگاه را به تفصیل بیان کرده اند و مالک و شافعی به آن در حال ضرورت، اشاره کرده اند. (عاملی ۱۴۱۴، ۲۵۶)

اگر « غسق» را به پیدایش اولین تاریکی تفسیر کنیم (و آن را از ابن عباس، عطاء، نضر بن شمیل حکایت کرده) در این صورت «غسق»، عبارت است از اول، بنابراین در آیه مزبور ذکر سه وقت به میان آمده: وقت زوال، وقت اول مغرب و وقت صبح و این اقتضا می

کند که زوال ، وقت نماز ظهر و عصر و در نتیجه وقت مشترک این دو نماز باشد و اول مغرب، وقت نماز مغرب و عشا و در نتیجه وقت مشترک این دو نماز باشد و اول مغرب، وقت نماز مغرب و عشا و در نتیجه وقت مشترک این دو نماز باشد و معنای این سخن، این است که در هر حالتی بتوانیم نمازهای ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا را با هم بخوانیم. اما دلیل شرعی داریم که با هم خواندن دو نماز در غیر سفر و بدون عذر جایز نیست. بنابراین با هم خواندن دو نماز در سفر و یا باران و غیر آن جایز است.

تحقیق فخر رازی در این جا، حق است، اما این سخن وق که « با خواندن دو نماز غیر سفر و بدون عذر به سبب وجود دلیلی شرعی ، جایز نیست» ادعایی بدون دلیل ؛ زیرا آن دلیل شرعی، چیست؟ آیا آن دلیل، آیه ای از قرآن است در حالی که آیه قرآن برحسب تحقیقی که او کرده ، برجواز ، دلالت دارد؟ آیا آن دلیل، دارند، نقل خواهیم کرد یا این که پیشتر هم قول به جواز با هم خواندن دو نماز را از برخی فقهای اهل سنت نقل کردیم؟ علاوه بر این، امامان اهل بیت (ع) بر جواز با هم خواندن دو نماز، اتفاق نظر دارند و جز کتاب، سنت و اجماع، دلیلی شرعی وجود ندارد.(فخر رازی، ۱۴۱۳، ۲۳۶)

نتیجه گیری

بین شیعه و سنی در تعداد رکعات نماز های واجب اختلافی وجود ندارد لکن در بعضی از احکام و مقدمات نماز مانند وضو ، اذان ، اقامه ، زمان نماز و امثال آن اختلافاتی وجود دارد که منشا زمانی هر کدام متفاوت است لکن در تبیین چرایی این اختلافات می توان به مطلب زیر اشاره نمود.

به اعتقاد شیعه امامیه، هیچ کس جز نبی اکرم(ص) حق تشریع احکام الهی را ندارد. پیامبر اکرم(ص) از طریق اتصال به منبع غیب، از احکام الهی مطلع می شدند و مأمور به تبلیغ این احکام بودند. پس از پیامبر اسلام طبق نص و تصریح ایشان، ائمه(ع) برای تبیین احکام الهی (و نه تشریع آن) منصوب شده اند. از جمله طبق حدیث مورد اتفاق همه فرقه های مسلمین «ان تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بها لن تضلوا ابداً؛ و شیء گرانبها میان شما باقی می گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم، مادامی که به این دو چنگ بزنید گمراه نخواهید شد

اگر ائمه(ع) حکمی یا کیفیت عملی را بیان می کنند، صرفاً بیان حکم الهی و نحوه عمل و سیره رسول اکرم(ص) است و از پیش خود چیزی را تشریع نمی کنند. منشأ پیدایش برخی تفاوت ها در کیفیت نماز به دو عامل اساسی برمی گردد :

۱- دور شدن از عصر حضور پیامبر اکرم(ص) و پیدایش سؤالات جدید: با رحلت رسول اسلام، دوران دسترسی به کسی که مبین حکم الهی بود به سر رسید. با گذشت زمان و دور شدن از عصر نبی اکرم و پیدایش مسائل و سؤالات جدیدی در زمینه های مختلف (از جمله در زمینه مسائل مربوط به نماز) اهل سنت — که راه دسترسی به بیانگر حکم الهی را بسته می دیدند — برای یافتن پاسخ سؤالات خود، با اجتهاد و سلیقه خود به پاسخ آنها پرداختند. متأسفانه بعد از وفات پیامبر مکرم اسلام کسانی در مسند خلافت ایشان نشستند که کمترین اطلاع را از احکام الهی داشتند.

از دیدگاه شیعه ، ائمه معصومین علیهم السلام، مفسر و بیانگر راستین حکم الهی بعد از نبی اکرم صلوات الله علیه بودند و عالم ترین مردم نسبت به احکام الهی هستند.

شیعه تا حدود ۲۵۰ سال پس از رحلت نبی اکرم، نیز دسترسی به مبین و مفسر احکام الهی داشتند و ائمه(ع)، آنچه را که حکم الهی بود تبیین می کردند؛ مثلاً در مسائلی

چون: آیا می توان با کفش نماز خواند؟ آیا اگر بر روی زمین و محل سجده نماز گزار، چیزی غیر از اجزای زمین (مثل فرش) فاصله شود، می توان بر آن سجده کرد یا نه؟ آیا خواندن سوره هایی که سجده واجب دارد در قرائت نماز جایز است و...، در حالی که اهل سنت در این امور به فهم و رأی و صلاحدید و یا سلیقه خود استناد کرده اند.

۲- تغییرات و تشریعاتی که از سوی خلفا، پس از رحلت رسول اکرم(ص) صورت گرفت — مانند مسأله تکتف (دست بسته نماز خواندن)، عموماً از زمان عمر خلیفه دوم مرسوم شد. به عنوان نمونه وقتی اسیران فارس را نزد وی آوردند، آنان مقابل عمر دست بسته ایستادند. وی علت این امر را جويا شد، گفتند ما مقابل امیران و بزرگان خود به جهت احترام این گونه می ایستیم. عمر از این نحوه اظهار ادب خوشش آمد و گفت خوب است ما هم در مقابل خداوند در نماز این گونه بایستیم،

خلیفه دوم به خاطر آنکه مردم در زمان جهاد به بهانه نماز میدان جنگ را ترک نکنند دستور داد که عبارت حی علی خیر العمل را از اذان حذف نمایند. این در حالی است که در شیعه هیچ کس حق تشریع احکام الهی را ندارد و پیامبر و ائمه معصومین صرفاً حق بیان احکام الهی به دلیل اتصال به منبع وحی را داشتند و هرگز حق نداشتند به صرف اینکه از چیزی خوششان آمد حکمی به دین تحمیل نمایند.

۳- نکته سومی که در سر اختلاف احکام بین شیعه و سنی باید به آن اشاره کرد دستور خلیفه اول به سوزاندن روایات و احادیث مکتوب بود که بر طبق دستور او و به بهانه جمع آوری سنت رسول الله دستور دادند که هر کس روایتی از پیامبر دارد بیاورد و بعد همه را سوزاندند و عملاً در عصر بعد از وفات رسول الله نقل روایت نیز ممنوع شد لکن شیعه به پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام از گنجینه ارزشمند و وحیانی روایات محافظت نمود و در طول ۲۵۰ سال حضور ائمه معصومین از آن بهره مند می شد.

خلاصه آنکه عدم بهره مندی اهل تسنن از اتصال به منبع وحی و شرایط خاص حاکم بر سردمداران آنان در بعد از وفات نبی مکرم اسلام زمینه دوری آنان از معارف ناب اسلامی را فراهم نمود و بدین ترتیب بستر اختلافات شیعه و سنی در برخی از احکام از جمله نماز پدید آمده.

اگرچه در این پژوهش، پاره ای از مسائل اختلافی مذاهب خمسّه را درباره نماز مورد بررسی قرار دادیم اما هدف ما چیزی جز آشنایی با نظرات فقهی مذاهب در موارد اختلافی مسأله نماز و مآلاً اتحاد بین مسلمانان به ویژه پژوهشگران و دانشجویان نیست.

زیرا اگر چه در مذهب با هم اختلاف داریم اما خدا، دین، پیغمبر، کتاب(قرآن)، قبله، نماز، روزه، حج و ما مسلمانان یکی است. فی الواقع، حقیقت، یکی است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن قدامه مقدسی، ابو محمد عبدالله بن احمد بن محمد، المغنی، ۱۲ جلدی، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.
۳. الأنصاری، الشیخ محمد علی، الموسوعه الفقیه المیسره، الطبعة الأولى، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ.
۴. انصاری، محمد عبدالحی، الهدایه فی شرح البدایه، جلد اول، چاپ دوم، تربت جام، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۷۱.
۵. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، (۵ جلدی)، جلد اول، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۶ م.
۶. جمعی از مولفین، المعجم الوسیط، دارالدعوه، ۱۹۷۰ م.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۴) الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، نشر دار العلم للملایین، بیروت.
۸. الحر العاملی، محمد بن الحسن، تفصیل و سایل الشیعه، ج ۲، (قم مرسسه ال بیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ هـ ق) ج ۲۲، باب ۳۷، ج ۱، ص ۴۰۵.
۹. راغب اصفهانی، محمد (۱۳۹۰) مفردات، قم نشر نوید اسلام
۱۰. زمانپور، مجید، لطایف عرفانی، تهران، انتشارات موسسه ی فرهنگی پازینه، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. شیخ بهائی؛ جامع عباسی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۲۹ هـ. ق.
۱۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، (۵ جلدی)، جلد اول، قم. مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، (۳۲ جلد در ۱۶ مجلد)، چاپ چهارم، بی جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ هـ.
۱۴. مالک، الموطأ، دار احیاء التراث العربی بیروت - لبنان ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۵ م.
۱۵. محمدی، حمید، مفردات قرآن، قم، انتشارات دار العلم، ۱۳۹۱ ش.

۱۶. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسة، چاپ هفتم، بی جا، ۱۹۸۲ م.

۱۷. موسوی خمینی، (آیت الله) سید روح الله، تحریر الوسیله، (۲جلدی)، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵.

۱۸. نووی (شافعی مذهب)، محی الدین ابن شرف، المجموع فی شرح المذهب، (۲۰جلدی)، بی جا، دارالفکر، بی تا، .